

ياسين قلب قرآن كريم

شاعر:

امير قلى عرب بهمنى

www.ketab.ir

سرشناسه : عرب بهمنی ، امیر قلی ، ۱۳۰۸
 عنوان و نام پدید آور : یاسین قلب قرآن کریم / امیر قلی عرب بهمنی .
 مشخصات ظاهری : ۸۸ ص .
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۵۸-۲۳-۹
 وضعیت فهرست نویسی : فبا
 موضوع : قرآن . سوره یس - شعر
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۴
 موضوع : شعر مذهبی - قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۲۱۳۸۹ ی ۲۷۲ ر / ۸۱۵۱ PIR
 رده بندی دیویی : ۸۶۲ / ۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۸۷۱۰۷

ناشر : موسسه ی انتشاراتی نصف جهان

نام کتاب : یاسین قلب قرآن کریم

نام مؤلف : امیر قلی عرب بهمنی

نوبت چاپ : اول

تاریخ نشر : ۱۳۹۰

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات : ۸۸ صفحه

قیمت : ۲۰۰۰۰ ریال

ویراستار : حمیده عرب بهمنی

ناشر فنی : علیرضا بیگدلیان

مدیر تولید : اکرم محمدی

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۵۸-۲۳-۹

تلفن و دورنگار ناشر : ۰۳۱۱-۲۲۳۸۸۶۲ و ۰۳۱۱-۲۲۳۸۸۶۳

تلفن مؤلف : ۰۹۱۳۷۹۰۹۱۸۹

نشانی ناشر: اصفهان ، خیابان چهارباغ عباسی ، مجتمع تجاری چهارباغ ، طبقه ی اول، واحد ۲

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

پیشگفتار

در خصوص قلب قرآن کریم سوره مبارکه یاسین :

آنچه در این سوره به چشم می خورد از حدود تعریف و توصیف خارج است و نمی توان با حرفی و کلامی بیان و حق مطلب را ادا کرد بلکه معنا و مفهوم آن همانست که خداوند با کلام فصیح و متین به ما بندگان ابلاغ و ارزانی داشته است. این بنده حقیر و فاجیز آن حدّ که در توان داشتم با زبان الکن شاعرانه خود ترجمه و شرح و وصف آن را به نظم در آوردم به این امید که خدمتی در خطوط فرهنگی و ادبی و اسلامی خود کرده باشم و به آیات و کلمات بسیار با عظمت پروردگارم ارادت ورزیده و احترام بیشتر قائل شده باشم بلکه بنده را مورد عفو و بخشش بی حسابی قرار دهد که تا زنده ام (به خواست خودش) حامد و واصف و عاشق او باشم.

امیر قلی عرب بهمنی (حامد)

به تاریخ : ۸۹/۹/۳

آئینه ی جهان نما

یاسین

قلب قرآن کریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوند را آواز دادم	دل من بر دیدنت پرواز دادم
به پرواز آمدم تا عرش اعظم	به بالاترین فرش معظم
به آنجائی که جز تو هیچکس نیست	کسی را بر چنین خواهش هوس نیست
در آنجا که زار و اح مقدس	به جز روح الامین نبود دگر کس
به آنجا آیم و گویم سلامت	بگوش جان نشانم هر کلامت
نمی دانم چه حالی می دهد دست؟	بر آنکه هوش و گوشم را ببردست؟
به خدمت بنده اش را می پذیرد؟	زر حمت دستهایش را بگیرد؟
بر آورده نماید آرزویش	زیش از آنکه ره یابد به گویش
ز خوبان جهان سبقت بگیرد	زیش از آنکه در دنیا بمیرد
خدای مهربان و مهر پرور	زند بر بنده ی دل داده اش سر
که تنها آرزویش دیدن اوست	برایش این هوس معقول و نیکوست
نمی ترسم خدایا ز آنچه گفتم	که بی دیدار تو هرگز نخفتم